

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور م، ع، روستار تره کی
۱۰/۱۲/۰۱

طرز العمل های حل منازعات انتخاباتی

مراجع نیرصلاح صدور حکم تجدید انتخابات

از جار و جنجال ناشی از تقلب در انتخابات چنین معلوم میشود که در لایراتوار سیاسی افغانستان هیولای خونخوار دیموکراسی زیر ضربات واقعیت های حاکم در کشور در حالت کوما قرار دارد. این جناور صرفاً با تزریق « بی ۵۲ » طیبیان بیرون مرز، نیمه جان نگاهداشته شده است ...

شاغلی اوباما در رشته حقوق تحصیل کرده است. اما معلوم میشود که شاگرد چندان برارنده ای نبود. جلالت مآبی اگر درس های خود را به درستی هضم میکرد و از حقوق چیزی در چانته میداشت، هرگز انتخابات را در یک کشور ناامن، در حال جنگ با مهاجمان خارجی و فاقد حق حاکمیت ملی سازمان نمیداد.

چه انتخابات وسیله ابراز اراده مردم آزاد در یک کشور آزاد است و تدویر آن در اوضاع افغانستان توجیه حقوقی نمیتواند داشته باشد.

واقعیت اینست که سرزوری جلالتمآبی در تدارک انتخابات مظهر دنباله روی غیر هدفمند از پروسه « ویرانگری سازنده » « بوش » است که برای افغانستان جزء تباهی و برای امریکا غیر از رسوائی و خفت چیزی به بار نیاورده است.

به هر حال! در منازعه بر سر انتخابات اینکه تقابل الفاظ جای تبادل گلوله و آتش را گرفته است، کار خوبی شده است. اما سؤال اینست که با بیرون شدن قوای خارجی رقابت مسالمت آمیز سیاسی ادامه خواهد یافت؟ من به این باورم که دیموکراسی که ضمانت اجرای آن قوت های خارجی و ادامه جنگ باشد، در غیاب قوای بیرونی خاطره لرزانی از آن در حافظه تاریخ سیاسی باقی خواهد ماند.

اما یک سؤال:

هرگاه دیموکراسی که با ماشین جنگی نیرو های خارجی حضور یافته است بسته در رکاب همان ماشین قصد مسافرت به بیرون کشور کند (که درین حال افغان ها به شیوه وطنی پروبلم های خود را حل خواهند کرد) چه کسانی بهای خون های نا حقی را که طی ده سال زیر عنوان دفاع از دیموکراسی ریختانده شده است، خواهند پرداخت؟

میرویم به اصل مطلب :

سایه سنگین تقلب یک بار دیگر انتخابات را در مرکز تقابل و جنگ سرد بازیگران سیاسی که طبق معمول ملعبت پیشبرد مقاصد بیگانگان شده اند ، قرار داده است .

انتخابات پارلمانی روی مقاصد معین و در عین حال مغرضانه کشور های مهاجم خارجی پلانیزه شده است . در تقلب در انتخابات نقش استخبارات خارجی کاملاً محسوس است . استقبال شتاب زده از نتایج آن توسط ملل متحد ، امریکا ، اتحادیه اروپا و بازیگر اخیر معرکه یعنی روسیه با آگهی از تقلب در آن تصادفی نیست .

ستراتژیست های ناتو به این باور شده اند که جنگ ده ساله که دست آورد کم ستراتیژیک داشته است ، باید با کار سیاسی اكمال شود . کار سیاسی عبارت است از نفی مذاکره با مخالفین مسلح و تدویر انتخابات در فضای ناامنی و وجود اختلافات بالقوه قومی .

انتخاباتی که بتواند افغانستان را بر ظوابط قومی تقسیم کند ، دست آورد های دهه جنگ را اكمال میکند و کشور را سر راست به سوی تجزیه میبرد .

* * *

در کشور های پیشرفته غربی پا به پای تحکیم موازین دیموکراسی برای دفع تخلفات انتخاباتی قوانین متنوعی وضع شده است که انتخابات را در سطوح مختلف (ریاست جمهوری ، پارلمانی ، شاروالی ، پوهنتونی و غیره) زیر پوشش میگیرد و برای هر مورد تخلف مجازات جداگانه تعیین میکند .

به تعبیر دیگر به موازات ظرافت کاری ها در تقلب در عرصه انتخابات قوانین به دقت وارد جزئیات میشوند .

دو طرز العمل برای حل منازعه انتخاباتی وجود دارد :

الف — طرز العمل سیاسی که طی آن پارلمان جدید تشکیل که در مورد اصولی بودن انتخاب اعضای آن نباید شک و تردید وجود داشته باشد ، روی موارد ادعا شده تقلب در انتخاب برخی کاندید ها ، قرار صادر میکند .

این طرز العمل به موازات انتقال قدرت از سلاطین خود کامه اروپا به پارلمان ها و انکشاف پارلمانتریزم مورد استفاده قرار گرفته است .

در بلژیک ، ایتالیا ، هالیند و غیره ازین شیوه رسیدگی به تخلفات استفاده میشود .

دو عامل سبب گردید تا در برخی کشور ها صلاحیت بررسی تخلفات انتخاباتی به مراجع قضایی انتقال داده شود :

— اعمال نفوذ گروه های برنده انتخابات در پارلمان بر حال به نفع وابستگان سیاسی : در جمهوری سوم و چارم فرانسه وکلاً به بهانه تقلب در انتخابات رقبای سیاسی خود را از صحنه بیرون میکردند : در ۱۹۸۹ نمایندگان پوجدیست از حق وکالت محروم شدند .

— تقابل طرز العمل سیاسی با اصل تفکیک قواء .

ازین گذشته تبعیت ازین منطق که پارلمان نمیتواند هم قاضی و هم مدعی باشد ، موجب انتقال صلاحیت بررسی جرایم انتخاباتی به قضات شده است .

ب — طرز العمل قضائی : منطق انتقال صلاحیت حل منازعه انتخابات به اورگان مستقل قضاء در واقع تأیید اصل تفکیک قواء و در عین حال تجویز جلوگیری از سیاسی شدن مسأله است .

در برخی کشور های اروپائی قضات خاص (قضات انتخاباتی) وظیفه رسیدگی به منازعه را به دوش دارند .

قاضی انتخاباتی در صورتی با مداخله خود آراء را باطل اعلام میکند که تخلفات شدید مانع بیان آزاد اراده رأی دهندگان شود. اما قبل از مداخله قاضی مواردی میتواند عرض وجود کند که آراء مشکوک به صورت اتوماتیک باطل اعلام شود. اشتباه در محاسبه کرسی ها، ترکیب غیر اصولی دفتر رایگیری، نقص اصل سری بودن رأی و غیره از این موارد است.

هر گاه تقلب در شمار آراء مطرح باشد، قاضی انتخابات جانشین دفتر رایگیری برای از سرگیری شمارش آراء میشود. درین حال در صورت اثبات تقلب کاندید یا کاندید های ناکام به جای کاندید یا کاندید های کامیاب، برنده اعلام میگردد.

نکته مهم اینست که قاضی انتخابات در صورتیکه حال و احوال طوری باشد که بررسی دقیق شواهد اشتباه یا تقلب امکان پذیر نشود، مجموع انتخابات را باطل اعلام مینماید. درین حال مرجع اداری انتخابات باید انتخابات را از سر سازماندهی کند.

در فرانسه بعد از ۱۹۵۸ م صلاحیت و ارسی تخلفات انتخاباتی به مراجع قضائی انتقال کرد: شورای قانون اساسی حل منازعات مربوط انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی را به دوش گرفت. در حالیکه شورای دولت موظف به رسیدگی به تخلفات انتخابات محلی و اروپائی شد.

برای درک حدود صلاحیت قضاء در عرصه دفع تقلبات انتخاباتی نظر مختصری به انتخابات شاروالی در فرانسه می اندازیم:

قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۷۵ فرانسه در صورت وجود شواهد قوی تقلب در انتخابات شاروالی به قاضی اداری (نه به شورای قانون اساسی) صلاحیت تعیین مجازات را به متخلفین داده است. این مجازات میتواند بازپس گیری کرسی وکالت از وکیل برنده انتخابات باشد. درین حال رئیس دفتر انتخابات که طبق قانون می باید یکی از اعضای شورای شاروالی باشد، از وظیفه سبکدوش میشود.

رئیس محکمه استیناف به جای شخص عزل شده کس دیگری را تعیین و به متخلفین مجازات میدهد.

در انگلستان بعد از ۱۸۶۸ صلاحیت رسیدگی به جرائم انتخاباتی به محاکم عادی سپرده شده است:

محاکم عادی پیشنهاد بطلان انتخابات حوزه معینی را به رئیس مجلس عوام (سپیگر) به قصد اعلام بطلان مینماید. طبق تعامل سپیگر همیشه با پیشنهاد قاضی ابراز موافقت کرده است. بناءً میتوان استنباط کرد که در واقع این قاضی است که در مورد بطلان انتخابات و مجازات متخلفین تصمیم میگیرد.

در افغانستان آنچه به نام کمیسیون شکایات انتخاباتی مسمی شده است پنج عضو دارد.

حضور دو تبعه خارجی در کمیسیون ممثل آشکار نقص حاکمیت ملی افغانستان و اعمال نفوذ خارجی در پروسه انتخابات است. اعلام شتابزده استقبال از نتایج انتخابات از جانب قوت های خارجی مظهر استفاده افزای از انتخابات به مقاصد مشکوک ستراتیژیک است.

در افغانستان به دلیل تجربه کم در عرصه دیموکراسی قوانین وارد تنظیم جزئیات انتخابات نشده است: قانون اساسی و قوانین انتخابات و جزاء احکام عمومی و مبهم در زمینه دارد.

ماده ۸۱ قانون اساسی از انتخابات منحیث وسیله تمثیل اراده مردم یاد میکند. تقلب در انتخابات نقص این اصل است.

ماده ۸۳ قانون اساسی در مورد سلامت و اصولیت انتخابات (رأی آزاد، عمومی، سری و مستقیم) صحبت مینماید. تخلف در انتخابات این اصل را نیز نقص کرده است.

کمیسیون سمع شکایات انتخابات افغانستان مرجع قضائی نیست و صلاحیت دادن مشروعیت قسمی یا کلی به انتخابات را ندارد . این کمیسیون به نحوی دارای صلاحیت اداری در کانالیزه کردن شکایات به مراجع ذیصلاح است .

کمیسیون باید شکایات و عرایض وارده را از طریق څارنوالی به مراجع قضائی از جمله ستره محکمه و یا شورای قانون اساسی ارجاع نماید . این دو اورگان ، مرجع نهائی اعلام بطلان و صدور حکم در تجدید انتخابات عمومی یا قسمی و تعیین مجازات متخلفین است . « پایان »